



r\_hoseinzadeh@yahoo.com

## گامهای بعدی در مورد کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری

### مصاحبه رادیو پرتو با رحمان حسین زاده

اینکه کدام اشکال تشکل  
و یا تشکل مستقل از چه  
چیزی و سیاسی یا صنفی  
بودن چنین تشکلی بحث  
برانگیز شده اند. به این  
باید سوالات بیشتر عملی  
را هم اضافه کرد. از قبیل  
اینکه چگونه باید آنرا  
ساخت، در مقابله با کدام  
مرجع و نیرو و غیره.

در گفتگویی که با رحمان  
حسین زاده ترتیب داده  
ایم جنبه های متفاوتی از  
این مساله را مورد بحث  
قرار میدهیم.

مصطفی اسد پور: اجازه  
بدهید از یک میان بر  
شروع کنیم. در دو سه  
جمله در مورد این حرکت  
موضع شما چیست؟  
صفحه ۴

ابتکار عمل تعدادی از  
کارگران پیشرو و انتشار  
طوماری مبنی بر آزادی  
کارگران برای ساختن  
تشکیلات مستقل، تحرک  
تازه ای را حول مساله  
تشکل در فضای کارگری  
ایران دامن زده است. از  
زمان انتشار، این طومار  
تاکنون امضاء چند هزار  
نفر را گرد آورده است.

جمع آوری امضا همچنان  
ادامه دارد. در این طومار  
از مقامات جمهوری  
اسلامی و مشخصا وزارت  
کار خواسته شده است که  
حق کارگران برای ایجاد  
تشکلهای مستقل  
برسمیت شناخته شود.  
سوالهای مضمونی از قبیل

با این اقدام و طومار،  
موجی از واکنشها بحرکت  
درآمده است. مخالفت ها  
و ملاحظات کم نیستند.  
در عین حال حمایت از  
مبتکرین و خود طومار  
مربوطه نیز گسترده است.  
سوالهای مضمونی از قبیل

## کمونیست ویژه تشکیل کنگره آزادی عراق بزودی منتشر می شود

بدنش در خانه خود به  
زمین خورده، بیهوش  
میشود. قلبش موقتا از  
کار می افتد و به دلیل  
نرسیدن اکسیژن به  
مغزش دچار حالت کوما  
میشود. او چندین سال  
است که با وجودیکه در  
حالت کوما به سر میبرد،  
علیرغم قطع چندین باره  
لوله غذا رسانی به وی، به  
زندگی خود ادامه میداد.  
تری حتی جزو بیمارانی  
نیست که به دلیل درد و  
رنج ناشی از بیماری و  
خلاصی از آن قربانی  
چنین تصمیمی میشوند.  
صفحه ۳

### حق حیات تری شایوو و ادعای سوسیالیستی علیه جهان بی روح!

تصمیم دادگاه و با تایید و  
امضای جرج بوش و  
مجلس نمایندگان آمریکا  
قطع شده است. در واقع  
جهان متمدن نظاره گر  
محکومیت به مرگ  
تدریجی این زن است .

تری شایوو زنی است که  
در سال ۹۰ به دلیل به هم  
خوردن تعادل شیمیایی

### مهرنوش موسوی

دنیا به دقایق پایانی و  
غیر قابل برگشت زندگی  
یک زن به نام تری شایوو  
چشم دوخته است.  
نزدیک به دو هفته است  
که لوله غذا رسانی به  
تری در یکی از  
بیمارستانهای آمریکا به



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۲ فروردین ۱۳۸۴ - ۱ آوریل ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

سر دبیر: اعظم کم گویان



mehrnousch@aol.com

## با کاندید زن یا کاندید مرد، انتخابات بی انتخابات! رژیم باید سرنگون شود!

### مهرنوش موسوی

زیر ضرب مردم بیرون  
بکشند. همگیشان به  
شدت ترسیده اند.  
کاندیدای زن برای  
انتخابات مملکتی که در  
قانون اساسی اش در بند  
بند رفتار حقوقی،  
سیاسی، اجتماعی،  
فرهنگی و ایدئولوژیکش،  
سیاه روی سفید، اصلا  
آدم و شهروند به حساب  
نمی آید، تلاشی مسخره  
است. آن هم از جنبه به  
اصطلاح " راستها"  
همانگونه که سیاست  
عمامه زدایی از مارمولکها  
در راس نظام دیدنی و  
مسخره بود. بعد از  
صفحه ۲

در جریان کارزار مضحکه  
انتخابات رژیم دارند  
همگی برای گرم کردن  
تنور انتخابات رژیمشان  
تلاش میکنند و برای  
" مشارکت بیشتر مردم"  
مایه میگذارند. از  
ژنرالهای داخلی و خارجی  
میتزسانند، کاندید زن  
می آورند و میبرند،  
طرحهای "سپید"  
مینویسند، تا شاید کل  
دستگاه دولت و نظام را از

## منشور سرنگونی جمهوری اسلامی

گفت و شنود با رهبری حزب  
کمونیست کارگری ایران -  
حکمتیست

نروژ انگلستان

صفحه ۴

سوئد

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بقیه از صفحه ۱

ملت به خانه هایشان را بکشند! اسمش را هم خودشان برای آبروریزی کمتر فراندوم گذاشته اند! طوری که هیچ چیز دست نخورد، دم و دستگامی منحل نشود، بویژه همین سپاه، ارتش، اطلاعات، پلیس و کمیته و نهادهای مختلف سرکوب. یعنی غلفتی نظام را تحویل گرفته، چند نفری را در یکی از کشورهای هم جوار بازنشسته کنند و روز از نو! راستها میدانند که مردم ایران نمیگذارند سرنوشت خامنه ای مانند شواردز نادره و عسگر آقایی فرقیستان بشود! مردم نمیگذارند سران این نظام از پایین تا بالا ابقاء شوند، مردم نمیگذارند ریشهایشان را بتراشند و سر سفره فقر و بدبختی و خفقان و سرکوب این ملت دوباره بنشینند. محافل "واقع بین" رژیم میدانند که اینجا ایران است! همچنین میدانند که جمهوری اسلامی و سرانش در راس یک جنبش اسلامی سیاه هستند که کوچکترین ترکی از بالا تا پایینترین سطوح این جریان سیاه در لبنان، سوریه و فلسطین و نه فقط خاورمیانه بلکه شمال آفریقا، آسیای میانه و در خود اروپای غربی در یک مقیاس اجتماعی ادامه خواهد یافت! بزرگترین شبکه های تروریستی اسلامی تکیه گاهشان ایران است. ارتزاق میشوند. اینها میدانند که اولین پادگان و یا مسجدی که در تهران به دست مردم تصرف شود، مساجد و نمادهای اسلامی و قدرت

اینها در کل جهان زیر ضرب قرار میگیرد. آمریکا هم این را میداند که در هجوم جنبش عظیم ضد دینی در ایران، نه فقط اسلام، بلکه دین و مذهب بطور کلی، وسیعتر از انقلاب اکتبر در شوروی مورد هجوم و لایروبی واقع میشود. و این یک تجدید تعریف کردن سیما و موقعیت بورژوازی را در سطح جهان به همراه خواهد داشت. قطبی در جهان معاصر که یکی از تکیه گاههای اصلی اش در مقابل با طبقه کارگر و جهان متمدن، دین است! پیام نوروزی خامنه ایی تاییدی بر این حکم منصور حکمت و بیانیه منشور حکمتیستها بود که جمهوری اسلامی ذوب شدنی نیست. جمهوری اسلامی فقط، باید به قدرت و نیروی اعتراض مردم درهم شکسته و تماما از صحنه جارو شود. از طرفی کمونیسم برای همگیشان یک خطر بالفعل است. اشارات رفسنجانی و بقیه شان به وجود خطر سوسیالیسم و کمونیسم در دانشگاه و کارخانه و اینکه تهران را در مقابل یک قیام ۶ ساعته هم نمیتوانند کنترل کنند، قبل از اینکه یادآوری این جایگاه به خود جنبش کمونیستی کارگری باشد، به حریفان درون نظام است. دارند میگویند خودتان را مچل فراندوم نکنید. اینجا اوکراین نیست. به آمریکا میگویند یکی دیگر از دلایل فلج شدن سناریوی حمله نظامی از یکسو و انقلاب مخملینت از سوی دیگر در

مینشست! مگر نه اینکه هیچ یک از انتخاباتهای "مخملین" کشورهای آسیای میانه در محاسبات خود اینها قابل مقایسه با "مشارکت ۲۰ میلیونی" نیست؟ و مگر نه اینکه عسگر آقایی مرد شماره یک اصلاحات آسیای میانه بود؟ نه آویزان شدن به کاندیدای زن، نه عمامه زدایی، نه فراندوم چاره درد بی درمان نظام نیست. این نظام را نمیتوان یواشکی نجات داد، یا به عقب نشینی کشاند. مردم در صحنه اند، شاهند. آن جنبش کمونیستی کارگری که منصور حکمت در ایران ساخته است با همه موانع سر راهش، به سادگی قابل چشم پوشی نیست. این یک جنبش وسیع است. پرچم منصور حکمت را به این سادگیها نمیتوان نادیده گرفت. ما اعلام کرده ایم که انتخابات یکی از مصافهای مبارزه مردم برای به زیر کشیدن نظام است. ما فقط نمیگوییم تحریم، ما میگوییم صندوقهای رای را باید بر سرشان خراب کرد. آنچه باید سی ان و بی بی سی مخابره کنند، بر خلاف تصویر محفل سازگارا و سحرخیزان پرچمهای تسلیم یعنی پرچنهای "سپید" نیست، بلکه صحنه خراب کردن صندوقهای رای روی سرشان، دستگیری سران نظام، تصرف پادگانها و منحل اعلام کردن تمام و کمال جمهوری اسلامی است. بخوانید منشور ما را دقیقتر! به این میگویند تصویر پیروزی

ریاست غیر عمامه دار مجلس، تلاش برای از صندوق درآوردن لاریجانی در واقع تلاشی در این جهت است. چکار کنند؟ چاره ایی جز این ندارند. مشکلمان آمریکا نیست. آمریکا دشمنی با قوانین ظرفیتهای ضد کمونیستی و ضد کارگری اسلام را میشناسد و کاملا به آن متکی است، نمونه عراق و افغانستان جلو روی همه است. آمریکا مشکلیش یک حکومت اسلامی رام شده و هژمونی پذیرفته شده است. حکومتی در چهارچوب سیاستها و منفعت آمریکا و قواعد و قوانینش که امکان تجدید سازمان استثمار مافوق کارگر در ایران را بهتر از اینها فراهم کند. رو کردن کاندیدای زن برای این شعبده بازی فقط چشمک زدن و بازی با مطبوعات بین المللی از سویی و همچنین پیشبرد مضحکه انتخابات از سویی دیگر است. مشکل حکومت اسلامی در اصل، مردم ایرانند. این هم مشکل دوم خردادیها و هم راستهاست. دوم خردادیها تلاش میکنند به رژیم بفهمانند تنها راه نجاتشان در مقابل مردم، یک عقب نشینی مخملین است. یک چوری بار کنند مثل عسگر آقایی و شواردز نادره بروند و محافل مختلف اطلاعات و سپاه و ... هم دست در دست راست پرو غرب و باقیماندگان نظام با مشتهای گره کرده، با پرچمهای "سپید" خاتمه کار را اعلام و سوت رفتن

**رادیو پرتو روی طول موج کوتاه!**

**هر شب از ساعت ۸ بوقت تهران به مدت نیم ساعت**

**SW 49 Meter 5810 KHZ**

**Tel: 0046 707 399 868**

[www.radiopartow.com](http://www.radiopartow.com)

**به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!**

از صفحه ۱

تنها و فقط به خاطر "هزینه" نگهداری وی در بیمارستان، در ۱۸ مارس امسال و با درخواست همسر وی و تایید دادگاه فلوریدا عذارسانی به وی قطع میشود و در واقع حکم مرگ تدریجی وی صادر میشود. ۲۰ مارس جرج بوش و مجلس نمایندگان آمریکا زیر این حکم رسماً تایید و امضا میگذارند. گفته میشود که تری تنها چند روز دیگر از عمرش باقی نمانده است. و شاید وقتی نشریه ما منتشر میشود، او دیگر در قید حیات نباشد. این رفتار دولت آمریکا نفرت و خشم بسیاری را، هم در میان مردم آمریکا و هم در سراسر جهان موجب شده است. به یک موضوع اصلی مراکز خبری و مطبوعات بین المللی بدل شده است. مردم با دقت و وسواس زیادی داستان زندگی تری را دنبال میکنند. مردم در خود آمریکا علیه این سیاست ضد انسانی دست به اعتراض و مبارزه زده، با پلیس درگیر شده اند. داستان محکومیت به مرگ تری، آیین تمام قد افشای تلقی به شدت ضد انسانی سرمایه از جایگان انسان، حق حیات وی، حرمتش، رفاهش، آزادی اش، حق اختیارش، سلامتی و شادابی اش در راس جهان تک قطبی و در راس

کاپیتالیسم دنیا شده است. تری محکوم به مرگ شده است اما همراه با او و در مقابل چشمان باز و هشیار جهان متمدن، قلب یک اعتراض ضد کاپیتالیستی و به شدت انسانی میزند. دارد پایه ایی ترین الگو و تصویر ریاکارانه ایی که بورژوازی تلاش کرده بود با دغلكاری از نقش اصالت فرد، رای فرد، دمکراسی و اراجیفی از این دست بدهد در یک مقیاس بین المللی و جهانی میشکند. به جای آن بغض، خشم، نفرت و خودآگاهی جا میگیرد. تبلیغات لازم ندارد، سرمایه همزاد خود، یعنی انتقاد ضد کاپیتالیستی را هم متولد کرده است. در مقابل بیمارستان تری دختران جوان میپرسند چرا تری را به خاطر پول میکشید؟ مردم دارند از خود سؤال میکنند که این چگونه نظم و نظامی است که نه فقط قدرت خرید ما، دستمزد ما، شغل ما، بیکاری ما، اینکه چه میخوریم، چه میپوشیم، کجا سفر میکنیم، رویا و کابوس ما، عشق و نفرت ما، عقاید و باورهای ما را تعیین میکند، بلکه نوبت به مالکیت و تصاحب نفس حق حیات ما هم رسیده است. آن را با خشونت تمام تصاحب کرده است و تازه برای خود ما دم از احترام به اصالت و حقوق فرد میزنند. در کشوری که

نه فقط در آن حکم اعدام رسمی است، بلکه در نتیجه اعلام محکومیت مرگ تری، رسماً سلب حق حیات به راس جامعه، به دولت و مراکز حقوقی اش عروج داده شده است. کشتن انسان به بهانه چند و چون کیف پولش قانون رسمی و اعلام شده است. این همان نظامی است که در پای صندوق رای و برای مضحکه انتخابات خودشان دم از نقش و اصالت فرد میزنند، دمکراسیشان را به رخ هم میکشند، اعلام میکنند که حقوق فردی و مدنی یک خصلت و مشخصه نظامشان است. دروغ محض است، ریاکاری مطلق است. اعلام میکنیم که سهم اکثریت عظیم مردم در روی این کره خاکی همین است که جلو تری گذاشته اند. این سهم انسان در مهد کشور و سرکرده سرمایه صنعتی غرب است، آن روی سکه فروش کلیه در طرف دیگر است. این ترازنامه سرمایه داری عصر حاضر است. و جالب اینجاست که با وجودیکه سالهاست دادن احکام سلب حق حیات در کشورهایی از جمله هلند و یا سوئیس قانوناً وجود دارد، سالانه تعداد زیادی به این وسیله به قتل میرسند، حتی آمارش را منتشر نمیکنند، اما تری در آمریکا مورد توجه بسیاری از افکار عمومی

نگهداری همین انگلهای کشیش و کلیسا و دستگاه دین برای ماندن خودش میکند.

این اعتراض اما، ادعانا مه انسان قرن بیست و یک علیه کل این بربریتی است که با ریاکاری به آن نظم و مدنیت لقب داده اند. جهانی وارونه که در آن سرمایه ارزش است و حق حیات انسان بی ارزشترین ارزشهاست. در این میان خفه شدن اپوزیسیون راست ایران، طرفداران آمریکا که دارند دست و پای همدیگر را در رقابت له میکنند، جالب بود. آنها میدانند که حتی دم زدن از تری موجب میشود که رسوا بشوند. اینها در خود آمریکا هم کنار دست راستی ترین سیاستهای هیئت حاکمه آمریکا ایستاده اند. کسانی که ریاکارانه دم از "تبری از خشونت" میزنند، دستمالهای مخملین برای تسلیم مردم پرت میکنند، به روی خودشان نیاوردند که یکی از خشونت بارترین احکام دولتی علیه انسانیت در آمریکا به اجرا گذاشته میشود. چه بکنند، مگر مجاهد علیه صدام حرف میزد؟ تقلاي اینها هم به اندازه پولی است که در کاسه شان میگذارند! مگر نه اینکه معیار ارزش نظامشان هم همین است؟

این اعتراض عمیقاً انسانی است. ربطی به کلیسا و دستگاه مذهب ندارد. مذهب خود روح این جهان بی روح است. بدون توجیه مذهب، این نظام ضد انسانی حتی یک روز دیگر هم سر پای خود نمی ایستاد. کلیسا نیامده است تا از تری دفاع کند، هدف دخالت دین در این ماجرا سوار شدن روی اعتراض مردم است. این رسالتی است که همیشه بر دوش دین است! برای همین دولت آمریکا خود سالانه میلیونها دلار صرف

جسارت بیشتری بر ایجاد مجمع عمومی کارگران تاکید کند. مجمع عمومی سر راست ترین و ساده ترین و عملی ترین شکل سازمانیابی است. مهمتر این حرکت پرچم حیاتی ترین مطالبه همین امروز کارگران را به دست بگیرد. به طور عملی گشایشی را در شرایط زندگی و معیشت کارگر ایجاد کند. و نکته آخر در سطح بین

برای ایجاد تشکل سراسری کارگران با ایجاد تشکل در مراکز و محلات کارگری هماهنگ و تکمیل شود. همین حرکت سراسری لازمست با اتکا به فعالینی که در خود گرد آورده اقدامات کارخانه ای و محلی و شهری را در دستور بگذارد. پایه های تشکل و سازمان کارگری را از پایین بسازد و نباید حالت انتظار داشت. با

از صفحه ۴  
تجربه فعال خود اضافه کند؟

رحمان حسین زاده: این حرکت لازمست خود را گسترش دهد. در سطح کارخانه و مراکز کلیدی کارگری خود را ترجمه کند. ایجاد مجمع عمومی کارگری در مراکز و محیط های کارگری همزمان میتواند دنبال شود. حرکت

**گمونیست**  
**را تکثیر و**  
**پخش**  
**کنید!**

ادامه دارد

**به سازمان جوانان گمونیست - حکمتیست به پیوندید!**

از صفحه ۱

رحمان حسین زاده: به نظرم لازمست در این حرکت شرکت کرد. حرکتی را که تشکل و اتحاد کارگری را هدف خود قرار داده و میخواهد به نفع کارگران خشتی روی خشت بگذارد، طبیعی است باید مورد حمایت قرار گیرد. بویژه در شرایطی که با رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی روبرو هستیم و کارگران را از تشکل خود محروم کرده و به جای آن شوراهای اسلامی و خانه کارگر دست ساز خود را علم کرده، در این شرایط شروع اقدام تعدادی از فعالین کارگری برای ایجاد تشکل واقعی کارگران گام مثبتی است. طبعاً با حمایت و حضور در آن میتوان ملاحظاتی، انتقادات و پیشنهادات لازم را در جهت رفع کمبودهایش طرح کرد.

سوال: بگذارید کمی دقیق تر شویم. کدام فاکتورها از حرکت کمیته پیگیری تشکل های کارگری را شما قابل دفاع می بینید و کدام جنبه ها را غیر قابل قبول ارزیابی میکنید؟

رحمان حسین زاده: ببینید فرق هست بین غیر قابل قبول دیدن اقدام و حرکتی تا اینکه در مورد آن، ملاحظه، انتقاد و نظر متفاوتی داشت. در این حرکت من هم مواردی ملا حظات و یا بهتر بگویم تاکیدات متفاوت خود را دارم اما تا این لحظه که بیابیه و نوشته ها و مصاحبه پنج تن از فعالین آن را مطالعه کرده ام، جنبه غیر قابل قبول مشاهده نکردم. یک نکته یادمان نرود این حرکت در ایران تحت حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و در مقابل تشکلهای ضد کارگری و دولتی مثل خانه کارگر و شوراهای اسلامی

شکل میگیرد. لازمست محدودیتهای و مشکلات ناشی از این وضعیت را دید. با این وصف با تشخیص درست از تناسب قوا و ملزومات پیشبرد یک پروژه و مبارزه علنی، نباید از ابتکارات ممکن کوتاهی کرد. در جواب سؤال اول شما بخشی از دلایلم برای حمایت از این حرکت را گفتم. اینجا اضافه میکنم که ایجاد تشکل سراسری کارگران یک نیاز حیاتی و فوری همین امروز کارگران است. مبارزات و اعتراضات جاری از بی تشکلی رنج میبرند. تناسب قوای مساعد تر به نفع کارگران بوجود آمده، بخشهای مختلف جامعه به اشکال مختلف خود را متشکل میکنند. کارگران هم باید سرعت بجینند. در بطن این اوضاع این آغاز مثبتی برای متشکل و متحد شدن کارگران است. اما چند ملاحظه دارم. مشاهده تاکنونیم اینست که این حرکت به اندازه کافی خود را به مبارزات و اعتراضات جاری کارگری متکی نکرده است. خود را با فوری ترین مطالبه کارگران در ایندوره چفت نکرده است. این حرکت در بطن پیشروی مبارزه جاری و هر درجه تحقق مطالبات فوری آن میتواند تقویت شود. بطور مثال این حرکت میتواندست پرچمدار مطالبه فوری و کافی افزایش دستمزدها و یا مبتکر اقدام جدی علیه قراردادهای موقت باشد. میتوانستیمتکر

است. چهارم این واقعیت را باید دید که در پروژه ها و مبارزات اجتماعی و علنی، گرایشهای سیاسی حضور پیدا میکنند و ایرادی هم ندارد (کسانی که میگویند مستقل از گرایشهای سیاسی مختلف بود یا خامند یا دروغ بزرگ تحویل کارگران میدهند). اما نکته اینست باید مواظب بود که منافع واقعی امروز و فردای کارگران تحت فشار کشمکش های سکتی و غیر اجتماعی لطمه نخورد. بخشی از ماجراجویی و به قول شما قهرمان بازی کودکانه اینجا بروز میکند. جوانب ظریف تر کار را رهبران و فعالین در جریان کار میتوانند تضمین کنند.

مصطفی اسد پور: در همان نگاه اول جنبه های تحسین برانگیزی در کار مبتکرین این حرکت قابل مشاهده است. تماس کارگرانی از رشته های متفاوت در ورای محدوده کارخانه، ابراز وجود علنی، افتادن دنبال اقلیت تعداد بسیار وسیعی از کارگران، و علناً طرف حساب دوایر دولتی شدن؛ همگی از جنبه های مهم این حرکت هستند. اگر در همین سطح باقی بمانیم فکر میکنید طبقه کارگر از این حرکت چه چیزی را باید به شکل میگرد. لازمست مشکلات و وضعیت را دید. با این وصف با تشخیص درست از تناسب قوا و ملزومات پیشبرد یک پروژه و مبارزه علنی، نباید از ابتکارات ممکن کوتاهی کرد. در جواب سؤال اول شما بخشی از دلایلم برای حمایت از این حرکت را گفتم. اینجا اضافه میکنم که ایجاد تشکل سراسری کارگران یک نیاز حیاتی و فوری همین امروز کارگران است. مبارزات و اعتراضات جاری از بی تشکلی رنج میبرند. تناسب قوای مساعد تر به نفع کارگران بوجود آمده، بخشهای مختلف جامعه به اشکال مختلف خود را متشکل میکنند. کارگران هم باید سرعت بجینند. در بطن این اوضاع این آغاز مثبتی برای متشکل و متحد شدن کارگران است. اما چند ملاحظه دارم. مشاهده تاکنونیم اینست که این حرکت به اندازه کافی خود را به مبارزات و اعتراضات جاری کارگری متکی نکرده است. خود را با فوری ترین مطالبه کارگران در ایندوره چفت نکرده است. این حرکت در بطن پیشروی مبارزه جاری و هر درجه تحقق مطالبات فوری آن میتواند تقویت شود. بطور مثال این حرکت میتواندست پرچمدار مطالبه فوری و کافی افزایش دستمزدها و یا مبتکر اقدام جدی علیه قراردادهای موقت باشد. میتوانستیمتکر

## گفت و شنود با رهبری حزب رفراندم، جنگ و سرنگونی جمهوری اسلامی

صف بندی جدید در اپوزیسیون  
منشور سرنگونی جمهوری اسلامی  
اسلو، نوروز

گورش مدرسی، نسیم رهنما، مجید  
حسینی

شنبه ۲ آوریل

IKM senteret

Toeyenbekken 5

nezdikterin istgah: Groenland T-  
bane

ساعت شروع ۳-۳۰

تلفن تماس: ۰۰۴۷۹۲۰۶۲۵۴۱/

۰۰۴۷۹۳۴۴۱۳۴۸ / ۰۰۴۷۹۱۱۱۴۱۱۶

انگلستان، لندن

رحمان حسین زاده، آذر مدرسی، امان  
کفا، مهرنوش موسوی و ثریا شهابی

شنبه ۹ آوریل ۲۰۰۵

187 Pentonville Rd

London WC1X

ساعت ورود به جلسه، ۵.۳۰ بعد از ظهر

ساعت شروع ساعت ۶.۰۰

تلفن اطلاعات ۰۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷

۰۷۹۳۹۵۴۶۷۳۶

سوئد - گوتنبرگ: شنبه ۱۶ آوریل

گورش مدرسی، نسیم رهنما، داریوش

نیکنام، ناهید ریاضی

شروع جلسه ۴

Wieselgrensplatsen 8

konsum بالای فروشگاه

تلفنهای اطلاعات: ۰۷۳۶۹۷۵۲۲۶ / ۰۷۳۶۲۲۷۹۵۹

لطفاً از آوردن کودکان زیر ۱۶ سال به سالن جلسه  
خودداری کنید!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست

کارگری ایران - حکمتیست

# مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!